



بالبول دانا، ناسيائ وه دانائ داله هوو
بهلول دانا، معروف به داناي دالاهو

اول
بخش



انجمن فرهنگي اجتماعي دالاهويار

نهنجومهن فرهنگي اجتماعي دالاهوويار



dalahoo_yar

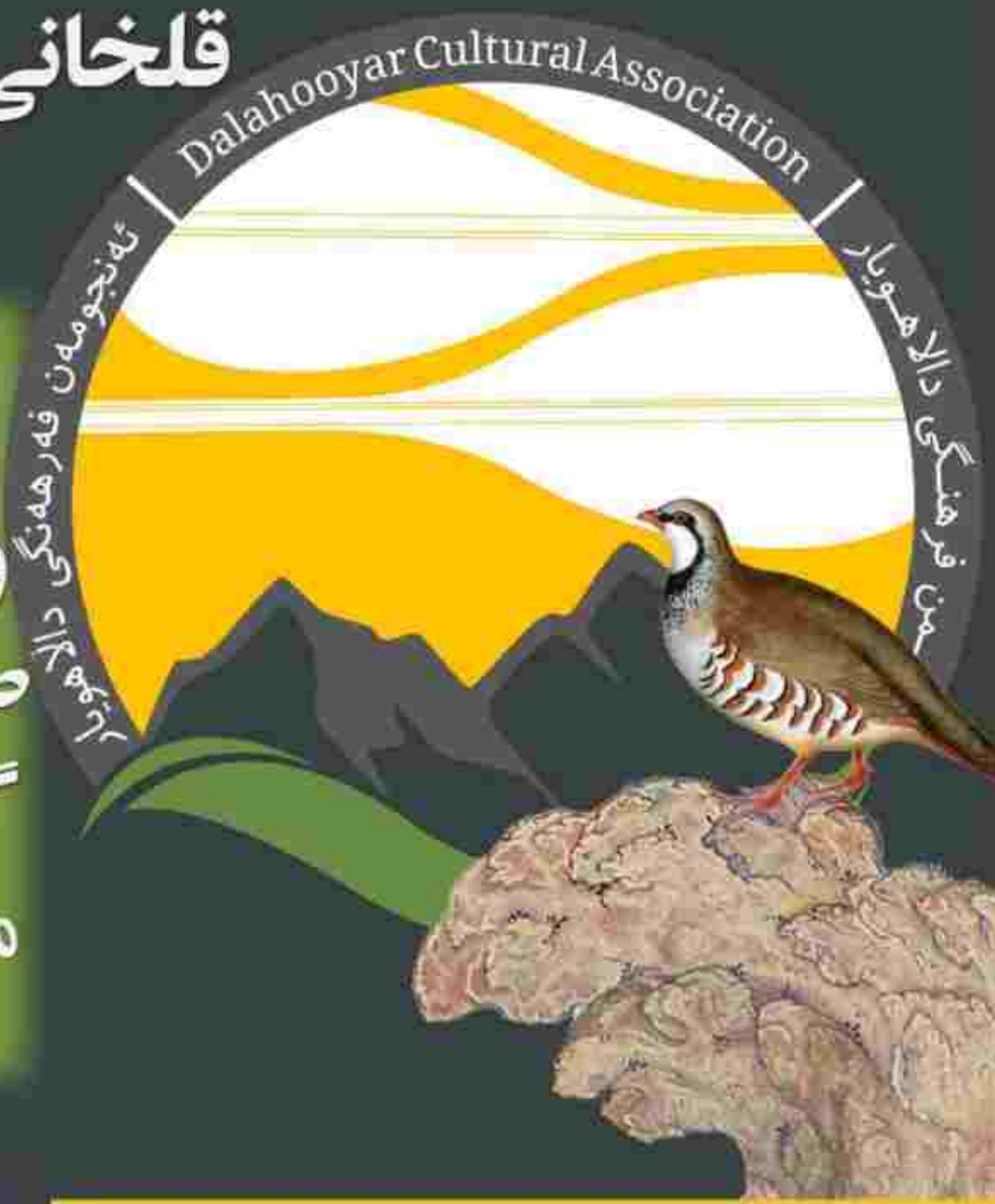
۱
محققین بسیاری، از جمله دکتر صدیق صفی زاده،
بنابر منابع تاریخی موجود، نام پدر بهلول دانا

(معروف به دانای دالاهو) را "ماهی" ذکر کرده اند.

با توجه به آنکه در میان اسامی کوردی چنین نامی موجود نیست،
می توان تصور کرد که این نام در واقع تغییر یافته نام کوردی با
اصالت و کهن "مایی" است.

"مایی" از اسامی اصیل کوردی است که امروزه نیز در مناطق
مختلف کرمانشان (کرمانشاه)، ایلام و شهرهای جنوبی کوردستان
عراق و مناطق گرمیان، و به خصوص در میان ایلات گوران،
قلخانی و کلهر عمومیت دارد.

نمونه های بسیاری از اسامی کوردی مانند
"مایی"، "مه هامه ئی"، "مایخان"، "حه مه" و ...
وجود دارند که در برگردان فارسی یا عربی به
صورت کلی تغییر شکل داده اند و بدون در نظر
گرفتن ماهیت و معنی اصلیشان با اسامی مشابه و
مرسوم در زبان عربی و فارسی مانند "محمد" و
"ماهی" جایگزین شده اند.



منابعی نیز نام بهلول را
"ابو وهب بهلول بن عمرو الصیرفی الکوفی"
 یا به اختصار:
"عمرو بن وهب"

ذکر کرده اند که در صحت و درستی این نام جای تردید است

اگر این نام درست باشد می توان فرض کرد که همانند بسیاری دیگر
 از بزرگان غیر عرب قرون اولیه اسلامی، بهلول نیز به منظور اجتناب
 از گزند اعراب متعصب، نام و پیشینه خانوادگی عربی مجعولی را
 اختیار کرده است

از جمله کسانی که چنین رویکردی را اتخاذ
 کرده اند می توان به "ابو محمد عبدال... بن
 مقفع" یا به اختصار **"بن مقفع"** با نام اصلی
"روزبه دادویه" اشاره کرد که ضمن تمام
 خدماتش به فرهنگ نوین عربی، در نهایت به
 جرم زندیق و تعلق خاطر به دین مجوس به طرز
 فجیعی کشته شد.





از تمامی تذکره های موجود می توان استنباط کرد که
بهلول، این **دانای دالاهو** و **دیوانه بغداد**،

به جهت پنهان نمودن علم و دانش ظاهری و باطنی خویش و اجتناب
 از گزند متعصبین، خود را به دیوانگی زده و برای مبارزه و مقابله با
 خلافت عباسیان و حفظ و احیای اعتقادش، با تکیه بر توانایی سخنوری
 و علم فراوانش به دربار خلیفه هارون الرشید نفوذ نموده و بدین طریق
 آنچه را که در مخالفت با عباسیان در دل داشته، با صراحت بسیار ولی
 به زبان طنز بیان نموده

بهلول مرمو

دانای یارانم، دیوانه ظاهراً

رحیم نسیم، لرمن وایر

دیوانه ظاهراً

ظاهراً و عبث گفتن بنایر

در این بند از کلام دفتر "دیوان گوره"، بهلول میفرماید که:
 هرچند به ظاهر دیوانه به نظر می رسد اما در نزد و نظر یاران باطن بینش دانا است.
 دانایی که به همراه یارانش "رجب" و "بابا لره" در میان عوام الناس گرفتار گشته اند.

بهلول، دیوانه بغداد و دانای دالاهو

بهلول نیز همانند تمامی جلوه های تجلی یافته حضرت حق دارای جم
هفت تنی بوده است و توسط چهار ملائکه

(داود کوسوار، پیر بنیامین، پیر موسی و مصطفی داودان)
همراهی می گشته که در دوره ایشان با اسامی زیر شناخته می شدند:

بابا لره، رجب، نجوم و حاتم

در هیچ یک از منابع غیر یارسانی نامی از یاران بهلول ذکر نشده است،
حال آنکه در دفتر دیوان گوره یارسان، علاوه بر ذکر نام این یاران مقرب
بهلول، سروده های آیینی آنها در قالب بندهای دفتری ثبت گشته اند.
برای مثال "حاتم"، یکی از چهار ملائکه بهلول در باب رمزی بودن دیوانگی
ظاهری بهلول و دانایی باطنی او می فرماید:

حاتم مرمو
رمز دیوانه
حاتم نانی رمز دیوانه
دانای عام نان و بی بهانه
یاران فراق و نوبلی رانه



در دوره های ذاتی بعدی نیز، "شیخ امیر"، از پیران بزرگ یارسان
معاصر اواخر دوران صفویان، در تایید ذات بهلول و تعریف رمز و
راز نهفته در دیوانگی ظاهری او می فرماید:

اول و آخر یار

بهلول ذاتی ون ذات یکدانه عامیان ماچان بهلول دیوانه
کی دی دیوانه و یطور دانا بو مرکب نه میدان کردون رانا بو

باری چنین بوده است که، در چنان عصری که حکام هیچگونه رحمی نسبت
به مردم نداشتند و علم و دانش نیز ارزش و اهمیتی نداشت، بهلول با اتخاذ
چنان رویکردی حاشیه امنیتی را برای خود و یارانش فراهم کرد و به هدف
والای خویش که همان مبارزه با بی عدالتی حکام عباسی بوده نائل آمد و به
سبب موفقیتش در این راه، در آن عصر و در اعصار بعد از آن همواره مورد
تحسین و ستایش همگان قرار گرفته است

بدیهی است که جایگاه بهلول در نزد پیروان یارسان فراتر از یک مُصلح
اجتماعی است و مقام وی در **بند اول** از **۹ بند دوره بهلول** به روشنی
بیان گشته است.

عصر یا دوران بهلول

بنابر مضمون بندهای کلام دفتری دوره بهلول و ترتیب قرار گیری آنها در دفتر "دیوان گوره"، می توان استنباط کرد که ایشان در دورانی **بعد از دوره "شاه خوشین" و "بابا ناعوث" تجلی یافته**

نجوم مرمو
صلح یانی ندوره ناعوث صلح یانی
قذیل ناعوث یاران دیانی ندوره شاه بال متاح شانی

این موضوع برخی از کلام دانان و دفتر خوانان گوران را بر آن داشته است که مدعی تمایز بین **بهلول یارسانی** با **بهلول معاصر هارون الرشید** شوند و اعصار متفاوتی را به عنوان عصر تجلی ایشان ذکر کنند

با این وجود **"کا بشر بزه هووی"** کاتب و مفسر بزرگ متون دفاتر یارسان، در رابطه با دوره ذاتی بهلول و وجود چهار ملکه در عصر وی در کتاب تفسیر خود آورده است که بهلول در عهد خلیفه هارون الرشید تجلی یافته و **"چهار ملکه"** هم در خدمت وی بوده اند.

اسامی **چهار ملکه** و دون هایشان را نیز چنین معرفی نموده است:

بابالره دون بنیامین، رجب دون داود کوسوار
حاتم دون رمزبار، رجب دون پیرموسی

در ادامه کا بشر بزه‌هووی دوره بهلول را قبل از دوره شاه خوشین دانسته و چنین می‌فرماید:

زمانی که که ذات در دون بهلول غایب گردید، وعده فرمودند که پس از چندی مرا باز خواهید یافت و در لرستان با نام شاه خوشین ظاهر خواهم گشت. آنگاه پس از مدتی سرگردانی، غلامان حق، با ورود به لرستان، شاه خوشین را در منزل میرزا آمان می‌یابند.

دوران های ذاتی پیش از پردیور دارای گواهی "جم پردیوری" در دفتر دیوان گوره می‌باشند و براساس همین گواهی‌های هفتنی پردیور است که یارسانیان دوران ذاتی قبل از سلطان سهاک را درک می‌کنند. در این باب، "سلطان سهاک" و چهار ملکه دوره پردیور، چندین گواهی را به تایید دون‌های قبلی خویش در عصر بهلول و یاران مقربش در دفتر دیوان گوره ثبت کرده‌اند.

در دوره "دامیار دامیار" دفتر پردیوری، سلطان سهاک در باب دوره بهلول چنین می‌فرماید:

پادشاه مرمو
دیوانه دیرم
غلامان سرسام دیوانه دیرم
لرم به، هفتمین بین و میرم
دیوانم ماچان رمزمن طیرم

در این بند از کلام دفتر "دیوان گوره"، پادشاه می‌فرماید که: یاران متحیرند از اینکه من همان بهلول دیوانه دوره گذشته‌ام و (لره) هم از اعضای جم هفتنی من بوده و مرا دیوانه گفتند، هرچند این دیوانگی یک رمز بود.



عصر یا دوران بهلول



در تأیید این فرموده سلطان (پادشاه)، "پیر بنیامین"، به عنوان "پیر شرط پادشاه"، بابا لره را به عنوان دون قبلی خویش معرفی می فرماید و دیوانگی بهلول را یک رمز آسمانی می داند و در این باب می گوید:

بنیامین مرمو	مقمتین میان
لره دانه پیم، مقمتین میان	
شکارم آورد نیام او میان	واذن خواجام رمزو طیرشان

"داود کوسوار" نیز که در دوره بهلول در جامه رجب بوده است، بدین صورت گواهی دون قبلی خود را در حضور پادشاه می دهد:

داود مرمو	دامشاعجو
دامیار بنیامین دامشاعجو	
شاهبازش کردن خواجای رجو	نینا سدنش او ورو هوو

"پیر موسی" نیز در گواهی دون خود و پیر بنیامین در دوره بهلول می فرماید:

پیر موسی مرمو	نجوم دانا
میرزای دانا پیم نجوم دانا	
بنیامین لره حد و توانا	چنی بنیامین ثبت مان وانا



"رمزبار" نیز که در دوره بهلول در جامه **حاتم** بوده است، بدین صورت گواهی می دهد:

دانش بی غمه رمزبار مرمو دامیار بنیامین دانش بی غم
 نینا سدنش ورو کر مه شاهبازش کردن خواجای حاتم

"بابا یادگار (احمد)" نیز در دوره بارگاه بارگاه، در تایید مقام و جایگاه بهلول این چنین گواهی می دهد:

او کوی سراندیل احمد مرمو بارگای شام وستن او کوی سراندیل
 غلمان منشدی و مات و ملویل خدام سلطانا ، سلطانا بالویل

پیر موسی نیز در بندی دیگر بهلول را تجلی ذات حق می داند و می فرماید:

او کوی دیوانه پیر موسی مرمو بارگای شام وستن او کوی دیوانه

عصر یا دوران بهلول



گواهی آخرین دوره کلامی دفاتر چهل تن آسید براکه
درباره دوره ذاتی بهلول دانا

"درویش نوروز" در باب بهلول دانا می فرماید:

اول و آخر یار

یاد کردم قوه ی جمنده بالویل	دام نه کردا رشت و شاخ نفیل
آمین الهامن جه درگای بالویل	چون طفلان و ناز مکروم بیل
جای بزم یاران دانای کس ندیم	تن دام و نکیه قیصری عظیم
جمنده باطن سلطان یاران	ساخته ی قدرتی قوه ی کوهساران
پی طواف کران مراد کن حاصل	یانه عبدالان گذرگای مترل
آرزوی جمال شای کوهسارانیم	ایمه یش نجله ی مطلب دارانیم



بالبول دانا، ناسيائ وه دانائ داله هوو
بهلول دانا، معروف به داناي دالاهو

دوم
بخش



انجمن فرهنگي اجتماعي دالاهويار

نهنجومهن فرهنگي اجتماعي دالاهوويار



dalahoo_yar



در میان مردم گوران به عنوان مرکزیت پیروان یارسان، تقویمی قدیمی موسوم به **"سال شومار گوران"** با شیوه **گاهشماری منحصر بفرد** وجود دارد که مبنای تعیین ایام خاص و جشن های آیینی است.

مبدا پیدایش و دلایل دقیق شیوه تنظیم منحصر بفرد تقویم گوران کاملاً مشخص نیست، اما می توان تقسیم فصول در آن را مرتبط به وضعیت یکی از مهمترین پارامترهای تشکیل تمدن و تکامل فرهنگی انسان، یعنی دانه **"گندم"** دانست به این صورت که در تقسیم بندی آن:

آغاز کاشت و نهفتگی دانه گندم مصادف با آغاز زمستان

زمان رویدن گندم مصادف با آغاز بهار

زمان رسیدن و برداشت گندم مصادف با تابستان و

فصل پایان برداشت غله (گندم) مصادف با پاییز دانست

به صورت کلی آغاز فصول در تقویم گوران، دو ماه زود تر از آغاز فصول در تقویم جلالی است.

می توان زمان تنظیم این تقویم خاص را تا دوران نوسنگی و پیدایش اولین جوامع کشاورز گندم کار در محدوده مزوپوتامیا عقب برد، اما به طور خاص می دانیم که در دوران حکمرانی **"ساسانیان"** عام داشته و دستکم یادگاری از زمان ساسانیان است و خوشبختانه امروزه نیز همچنان در میان مردم گوران به صورت عام و یارسانیان باقی مناطق به صورت خاص پذیرفته و مورد استفاده است و مبنای تعیین زمان مناسبات آیینی و آغاز سال کوردی است.



هر کدام از فصول چهارگانه سال، در تقویم گوران متعلق به یکی از چهار
ملکه در نظر گرفته شده است و آغاز هر کدام از این فصول را اصطلاحاً
زمان بر تخت نشستن و آغاز فرمانروایی یکی از چهارملکه
می دانند.

در این میان قدیمی ترین جشن آیینی یارسانیان پس از جشن نوروز، جشن
"مال بالوّل" می باشد که

**مصادف است با آغاز فصل زمستان کوردی و بر تخت نشستن
"مصطفی داودان"**

باور مردم گوران بر این است که در فصل گرم، سالی از سالیان دور، **بهلول دانا**، با
تظاهر به دیوانگی، از کوردستان راهی بغداد شد و با تکیه بر علم و توانایی های
بسیار خود توانست در بطن جامعه بغداد عصر عباسی و دربار هارون الرشید نفوذ
کرده و ضمن سود جستن از حاشیه امنیت به وجود آمده ناشی از دیوانگی
ظاهریش، شدید ترین انتقادات را بی پرده نزد عامه و حتی شخص هارون الرشید
ابراز کند و این مژده را به جامعه نا امید از وصول حق بدهد که:

**حق و حقیقت همواره باقی است و مقاومت پیروان حق در
گوشه گوشه جهان ادامه دارد.**



پس از آن با بالا گرفتن کار و افزایش حساسیت متعصبین، بهلول که از انتقال پیام خود و تاثیر گذاری عمیق آن مطمئن گشته بود همزمان با آغاز زمستان کوردی، در قالب **دانای دالاهو** به کوردستان بازگشت، در مکان مقدس **"جَمَخانه بهلول"** مامن گزید و با اطمینان از اینکه عمال عباسی قادر به دستیابی به او در چنان مکان صعب العبوری که صعود به آن در فصل سرما تقریباً ناممکن است، نیستند، مجدداً جم ارشاد و تربیت یاران را برپا نمود.

از آن زمان تاکنون یارسانیان گوران، همه ساله یاد و خاطر این بازگشت پیروزمندانه شاه کوهساران، بهلول دانا، دانای دالاهو را گرامی می دارند و به شکرانه آن به ادای نذر و نیاز و برپایی مراسم کلام خوانی در قالب **جشن مال بالول و جشن اول زمستان کوردی** می پردازند.

در این باب

"دهوریش نهورووز، نفاق دهوریشان جهم چل تهن ناسه ی براگه"
می فرماید:

اول و آخر یار

آرزوی جمال شای کوهسارانیم

لهمیش نه جمله مطلب دارانیم

محل تولد و وفات بهلول



منابع مختلف، مکان های متفاوتی را از **افغانستان تا سوریه** به عنوان **خاستگاه بهلول** معرفی می کنند، در این میان اما با توجه به

تبیین مبانی فکری و عقیدتی بهلول در میان مردمان گوران و تعداد اماکن مقدس منتسب به بهلول در محدوده گوران می توان ادعای مردمان کورد گوران مبنی بر اصالت کوردی بهلول را به حقیقت نزدیکتر دانست

مورخین و راویان کورد دو مکان متفاوت در محدوده استان کرمانشان (کرمانشاه) را به عنوان خاستگاه حقیقی بهلول معرفی می کنند:

برخی روستای کندوله (کهنوله) دینور و
برخی دیگر شهر حلوان قدیم یا سرپل ذهاب کنونی را زادگاه بهلول می دانند.

محل تولد و وفات بهلول

در باور مردمان یارسان به طور خاص
 یک تپه تاریخی در حوالی **سرپل ذهاب** به عنوان **مکان تولد بهلول** شناخته می شود و حتی درختی کهن سال در نزدیکی آن مکان را

"دار بالقول" می نامند و

غاری در چند کیلومتری شرق **کرنند غرب**، در مکانی تاریخی
 موسوم به **"تهنگ گوول"** را، **گور یا مقبره بهلول** است و
 محققینی همچون دکتر صدیقی صفی زاده نیز بر درستی این
 ادعا صحه گذاشته اند.

مقدس ترین مکان منتسب به بهلول نیز،

"جَمَخانه بهلول" در مرتفع ترین مکان کوهستان دالاهو
 است که مکان تشکیل **جم بهلول و یارانش** بوده و از جایگاه و
 تقدس خاصی نزد پیروان یارسان برخوردار است.



محل تولد و وفات بهلول

قد است بارگاه یا جمخانه بهلول تنها منحصر به یارسانیان نیست و نمونه های بسیاری از **ارادت اندیشمندان کورد اهل سنت** به بهلول و بارگاه مقدسش را می توان یافت، برای مثال "**رنجوری**" از شاعران بزرگ کورد اهل سنت، قریب به یکصد سال پیش، نام بهلول و بارگاه او را در سوگندنامه معروف خود در کنار اولیای اسلام به صورت زیر ذکر کرده است:

بهره‌وزه‌ئ (ئوه‌یس) شائ هیمه‌تداران به‌بارگائ بالقول دیوانه‌ئ شاران

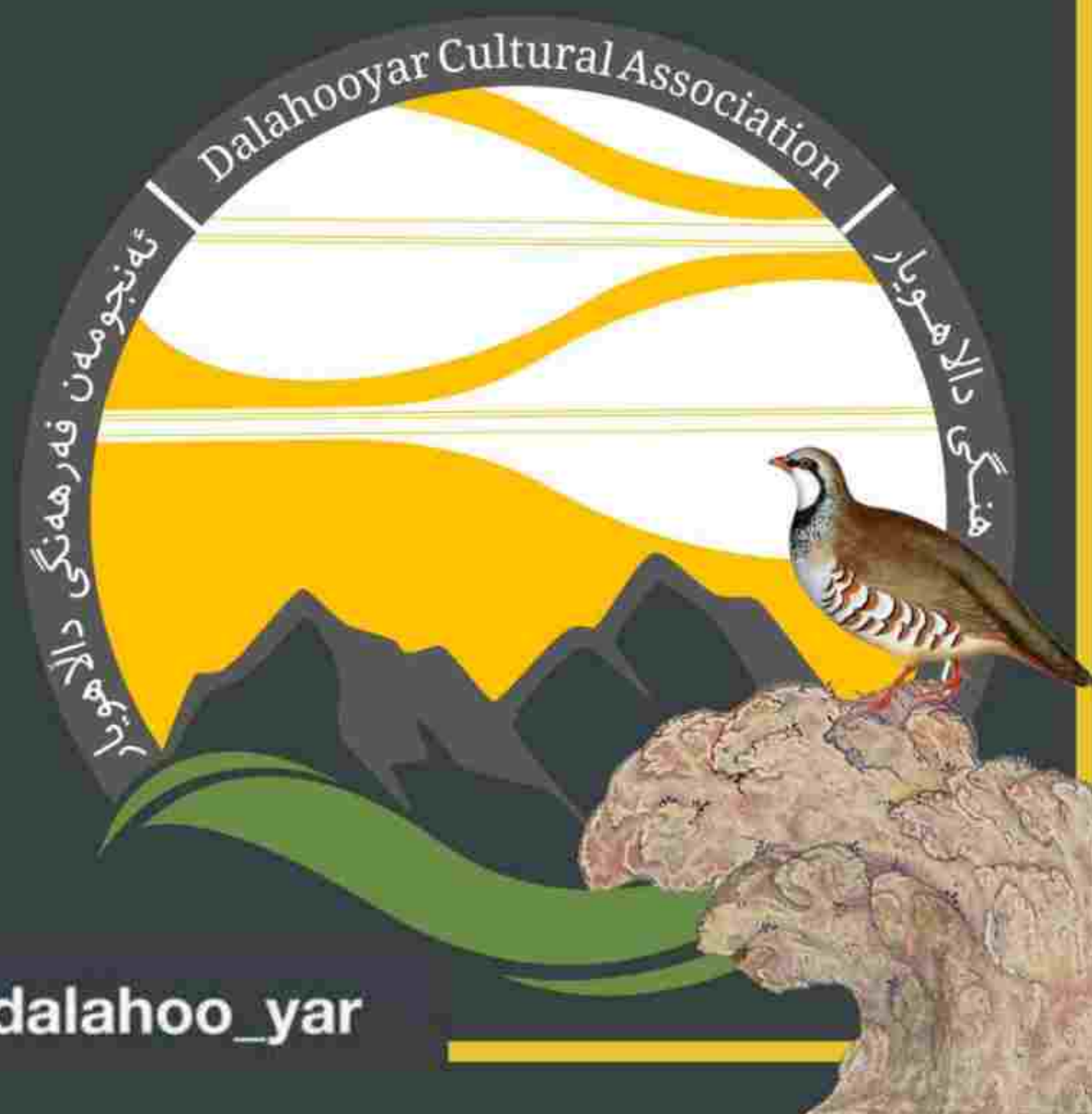
رسم زیارت بارگاه بهلول و برپایی جشن مال بالول نقش خود را حتی در اشعار عاشقانه فولکلور نیز برجای گذاشته و برای مثال می خوانیم:

چه‌وان مهره‌ژوون زولفان مه‌دهن لقول
پهری زیارەت بارگائ بالقول
چیمه ئی بانه بالقول دیاربی
پرده‌ور بالقول نه‌یجه‌سوواربی
وه‌تم یا بالقول به‌ره‌ومالم که
هامیته‌ئ گهل گهل سوسه‌ن خالمکه

منابع و مآخذ

- ۱: دوره بهلول یکی از کهن ترین متون یارسان چاپ اول ۱۳۶۳، دکتر صدیق صفی زاده
- ۲: دفتر دیوان گوره نسخه خطی مرحوم یارمراد خلیفه
- ۳: دفتر دیوان گوره نسخه خطی مرحوم درویش علیمیر درویشی
- ۴: دفتر نوروزسورانی نسخه خطی مرحوم یارمراد خلیفه
- ۵: گاهنامه یاران، چاپ ۱۳۹۱
- ۶: تفسیر مرحوم کا بشر بزھویی نسخه خطی
- ۷: دفتر شیخ امیر نسخه خطی مرحوم استاد معارف امیری
- ۸: دیوانی رنجوری کوکردنه‌وه‌ی مه‌لا عومەر زهنگنه، لیکۆلینه‌وه مامۆستا موحهمەد عەلی قەرەداخی

نعمت
حکمتش



[dalahoo_yar](https://www.instagram.com/dalahoo_yar)